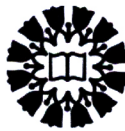


# تاریخ اساطیری ایران

دکتر زاله آموزگار

تهران

۱۳۹۸



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار چاپ چهاردهم
۳	فصل اول کلیات
۳	واژه اسطوره
۳	تعریف اسطوره
۴	دلیل وجودی اسطوره
۵	اصل و ماهیت و رمان اسطوره‌ها
۶	فایده اسطوره‌شناسی
۶	منابع اساطیر ایران
۱۰	پیش‌درآمدی بر اساطیر ایران
۱۴	اساطیر ایران
۱۴	آفرینش از دیدگاه اساطیر ایرانی
۱۶	فصل دوم سه هزار سال نخستین
۱۶	الف) دیبای روشیها و بیکیهها (قلمرو اورمرد)
۱۶	اورمرد و امشاسپندان
	سپدمیو (۱۶)، بهمن (۱۷)، اردیبهشت (۱۷)، شهریور (۱۸)، اسپندارمد (۱۸)، حرداد (۱۸)، امرداد (۱۹)
۱۹	ایردان
	مهر (۲۰)، اپام پات یا نر ایرد (۲۴)، ناهید (۲۴)، تیشتر (۲۶)، ریهویس (۲۹)، بهرام (۲۹)، وای (۳۰)، رش (۳۲)، سروش (۳۲)، اشی (۳۳)، دین (۳۴)، چیستا (۳۴)، آدر (۳۵)، هوم (۳۶)، گوشورن (۳۷)، درواسپ (۳۸)، رروان (۳۸)

# کلیات

## واژه اسطوره

اسطوره کلمه‌ای معرّب است که از واژه یونانی هیستوریا<sup>۱</sup> به معنی «حستحو، آگاهی و داستان» گرفته شده است<sup>۲</sup> برای بیان مفهوم اسطوره در رانهای اروپایی از نارمانده واژه یونانی میتوس<sup>۳</sup> به معنی «شرح، حر و قصّه» استفاده شده است<sup>۴</sup>

## تعریف اسطوره

ارائه تعریف کاملی از اسطوره که دربرگیرنده همه معاهیم آن باشد کار آسانی نیست در فهم عامه و در برخی از فرهنگها، اسطوره معنی «آنچه خیالی و غیرواقعی است و حسه افسانه‌ای محص دارد» یافته است، اما اسطوره را ناید داستان و سرگذشتی «میوی»<sup>۵</sup> داست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، بهاد یا پدیده‌ای طبیعی است نه صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنتها و روایتها گرفته شده و نا آییها و عقاید دیسی پیوندی ناگسستی دارد در اسطوره

---

1 historia

۲ نارمانده این واژه در ریان انگلیسی story است که به معنی «داستان و حکایت» است و در ریان فرانسه histoire «تاریخ و حکایت» معنی می‌دهد

3 mytos

۴ در ریان انگلیسی myth و در ریان فرانسه mythe. به شاحت این دانش در انگلیسی mythology و در فرانسه mythologie گفته می‌شود

۵ آسمانی، روحانی، مربوط نه فراسوی جهان مادی، غیرملموس و آن‌جهایی

وقایع از دوران اولیه نقل می‌شود به عبارت دیگر، سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد شخصیت‌های اسطوره را موحودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهد و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمان‌های مشت آن را فراگرفته است

حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود همچون داستان واقعی تلقی می‌گردد، زیرا به واقعیتها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند اسطوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایتها مهم است صحت تاریخی آنها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستانها برای معتقدان آنها دربر دارد، و همچنین از این جهت که دیدگاههای آدمی را نسبت به حویشش و جهان و آفریدگار بیان می‌کند دارای اهمیت است

همان‌گونه که اسطوره حلوه‌ای تاریخی می‌یابد، تاریخ نیز می‌تواند به اسطوره تبدیل شود و اسطوره‌های نیمه‌تاریخی به وجود آید اسطوره‌های نیمه‌تاریخی عبارت‌اند از تحول و تکامل حوادث تاریخی و وقایع ابتدایی که اتفاق افتاده‌اند و همچنین شرح کارهای فوق‌العاده‌ای هستند که به دست آدمیان رورمند و نامی انجام گرفته است این رویدادها اندک‌اندک شاح‌ورنگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجاب و عرایب درآمده‌اند به تدریج هاله‌ای از تقدس دینی هم به دور برخی از آنها حلقه رده و ندانها حبه الوهیت بخشیده است

ناید افروود که اسطوره با حکایت‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود و اعمال و احساسات اسان در آنها به حیوانات نسبت داده می‌شود فرق دارد این حکایتها اغلب حبه تمثیلی دارند و بر مفاهیم معنوی و اخلاقی تأکید می‌وررند (مانند حکایت‌های کلیله و دمنه) اسطوره همچنین با افسانه‌هایی که کارهای غیرعادی را در چهارچوب رندگیهای رورمره و معمولاً با نتیجه‌ای اخلاقی نقل می‌کند و نیز با قصه و خیال‌نافیهای شاعرانه و ادبیات داستانی تفاوت دارد

### دلیل و حدودی اسطوره

اسطوره واکنشی از ناتوانی اسان است در مقابله با درماندگیها و ضعف او در